

نگرش تحلیلی به تأثیر نهادهای حقوقی بر توسعه اقتصادی با تمرکز بر نهادهای تشکیل دهنده هسته حقوقی بازار

حسن بادینی*

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

فرناز فروزان بروجنی

دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران پردیس بین‌المللی کیش

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۶/۱۸)

چکیده

بدیهی است که افزایش ثروت مادی، ابزاری برای هموار کردن مسیر توسعه است. در این زمینه، کارشناسان دریافته‌اند که تحلیل‌های اقتصادی باید با لحاظ عوامل اقتصادی و غیراقتصادی انجام گیرد. بر این اساس، اقتصاد نهادگرا بر مبادلات اقتصادی و دنیای هزینه مبادلاتی مثبت، تمرکز کرده است. نهادگرایان اعلام کرده‌اند که نهادها (قواعد رسمی و غیررسمی) به‌منظور دستیابی به رفاه اقتصادی اهمیت دارند، زیرا آنها به‌عنوان قواعد بازی اقتصادی می‌توانند فضای ایمن را فراهم آورند، خطرها و هزینه‌ها را کاهش و انگیزه‌های اقتصادی را برای سرمایه‌گذاری و تجارت افزایش دهند. در این خصوص، بر کیفیت نهادهای حقوقی، به‌ویژه نهادهای تشکیل‌دهنده هسته حقوقی بازار (مالکیت و قرارداد) بسیار تأکید شده است. بدین ترتیب، این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش است که چرا نهادهای حقوقی مالکیت و قرارداد راه را برای رشد و توسعه اقتصادی پایدار، هموار می‌کنند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد، با تأمین نظم و هماهنگی مورد نیاز توسط نهادهای حقوقی، به‌ویژه مالکیت و قرارداد، فضایی ایمن به‌منظور تجارت فراهم می‌شود و بدین ترتیب انگیزه برای سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. در نتیجه، رشد و توسعه اقتصادی، یعنی کیک بزرگ تولیدی و باکیفیت به‌دست می‌آید.

واژگان کلیدی

اقتصاد نهادگرا، انگیزه اقتصادی، توسعه اقتصادی، حقوق قرارداد، حقوق مالکیت، نهادهای حقوقی، هزینه مبادله.

۱. مقدمه

توسعه اقتصادی، به ارتقای پایدار وضعیت کلی یک جامعه به سمت زندگی بهتر یا انسانی‌تر توصیف شده است (تودارو و اسمیت، ۱۳۹۳: ۳۴)؛ فرایندی که ضمن دستیابی به رشد اقتصادی پایدار (مفهوم کمی)، با تحولات کیفی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همراه است. توسعه در ابتدا به شدت به رشد اقتصادی پایدار، وابسته است، اگرچه ارزیابی رشد اقتصادی (سنجش افزایش تولید یا درآمد سرانه ملی) فقط یکی از عوامل تشخیص میزان توسعه‌یافتگی یک کشور به‌شمار می‌رود (تودارو و اسمیت، ۱۳۹۳: ۵۲؛ متوسلی، ۱۳۹۲: ۵۸). به بیان دیگر، افزایش ثروت، نه به‌عنوان هدف، بلکه ابزاری برای بهبود کیفیت مادی و معنوی زندگی تلقی می‌شود (سن، ۱۳۹۴: ۲۹-۲۷).

مسئله حائز اهمیت، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش تولید، رونق بازار و تجارت و به‌طور خلاصه، افزایش ثروت و شکوفایی اقتصادی جامعه، به‌منظور هموار ساختن مسیر توسعه، دغدغه ملت‌ها بوده و است. مدت‌ها تلاش صاحب‌نظران حوزه توسعه نشان می‌دهد که تحلیل نظام اقتصادی باید در ساختار کلی نظام اجتماعی متشکل از روابط درهم‌تنیده عوامل اقتصادی و غیراقتصادی انجام گیرد. در همین خصوص، نهادگرایان که مبادلات اقتصادی را کانون توجه قرار داده‌اند، به‌ویژه اقتصاد نهادگرای جدید که به‌منظور اصلاح نواقص موجود در تحلیل‌های اقتصادی پا به میدان گذارد، اعلام داشت که با بی‌توجهی به نهادها، در محیط ساده و آرمانی نئوکلاسیکی که مبتنی بر فرض «هزینه مبادلاتی صفر» است، نمی‌توان تحلیل درستی ارائه کرد، زیرا واقعیت، «هزینه مبادلاتی صفر» را نشان نمی‌دهد، بلکه فضایی پیچیده و سرشار از رفتارهای فرصت‌طلبانه را به تصویر می‌کشد که با «هزینه مبادلاتی مثبت» همراه است و ورود بازیگران را به میدان رقابت‌های اقتصادی با نگرانی و تردید در تصمیم‌گیری مواجه می‌کند. در نتیجه، برای کاهش نگرانی‌ها، باید فکر چاره کرد.

به‌منظور حل مشکلات و کاهش نگرانی‌ها، مطالعات نهادگرایان بر ضرورت توجه به نهادها (قواعد رسمی و غیررسمی) دلالت کرد و نشان داد که پشتوانه کاهش یا افزایش نگرانی بازیگران به‌منظور انجام مبادلات اقتصادی به کیفیت نهادها (قواعد بازی) برمی‌گردد. در نگاه آنان، اگر عرصه فعالیت‌های اقتصادی را میدان بازی در نظر بگیریم، عواملان اقتصادی، بازیگران این میدان و نهادها، قواعد بازی توصیف شده‌اند. در این میان، نهادهای حقوقی که در دسته قواعد رسمی جای دارند، به‌خصوص نهادهای تشکیل‌دهنده هسته حقوقی بازار یعنی حقوق مالکیت و حقوق قراردادها، از مهم‌ترین نهادهای اثرگذار در این فرایند معرفی شده‌اند، به‌گونه‌ای که این توانمندی را دارند تا در دستیابی به یک بزرگ تولیدی و باکیفیت (توسعه اقتصادی) نقش‌آفرین باشند.

با توجه به ضرورت پرداختن به مباحثی از این دست به منظور حضور کارآمدتر «حقوق» و «حقوقدانان» در مشارکت در خصوص حل مشکلات اقتصادی کشور، این مقاله در مقام پاسخگویی به این پرسش است که چرا نهادهای حقوق خصوصی می‌توانند در نیل به رشد و توسعه اقتصادی پایدار یاری برسانند؟ بدین منظور، در گام نخست برای درک بهتر موضوع، به تعریف، عملکرد، اهمیت نهادها و همچنین جایگاه این مهم در حوزه توسعه بومی کشورهای در حال توسعه، و در ادامه به ضرورت توجه به جایگاه و کیفیت نهادهای حقوقی مالکیت قرارداد در فرایند رشد و توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود.

۲. نهادها

«اقتصاد نهادگرا» به‌عنوان مجموعه‌ای از نظریه‌ها با تمرکز بر «نهادها»، در عرصه مطالعات اقتصادی ظهور کرد. نهادگرایان، با انتقاد از دیدگاه اقتصاد نئوکلاسیک به‌دلیل نادیده گرفتن «نهادها»، به تکمیل و تصحیح نواقص تحلیل‌های اقتصادی پرداخته‌اند، به‌گونه‌ای که امروزه بسیاری از صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد از اهمیت «نهاد» سخن می‌گویند. اما «نهاد» چیست؟ و چرا اهمیت دارد؟

۲.۱. تعریف «نهادها»

واژه «نهاد» به کسر یا فتح نون، در لغت به معانی مختلفی آمده است: سرشت، بنیاد، درون، مؤسسه، سنت، رسم و قاعده (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۸۸۳ - ۲۲۸۸۱؛ مشیری، ۱۳۷۱: ۱۱۲۳). در این میان، آنچه در مفهوم «نهاد» نزد اقتصاد نهادگرا در خصوص مباحث توسعه اقتصادی نزدیک است، معنی رسم و قاعده است؛ «قواعد» حاکم بر عرصه فعالیت‌های اقتصادی که بر رفتار عاملان اقتصادی تأثیر می‌گذارند.

در میان تعاریف و اختلاف‌نظرهای ارائه‌شده، متعارف‌ترین تعریفی که از دیدگاه اقتصادی درباره «نهادها» به آن استناد شده است، تعریف منتسب به داگلاس نورث^۱ از چهره‌های برجسته اقتصاد نهادی جدید است (Kingston & Miguez, 2009: 154). او نهادها را به‌عنوان «قواعد بازی» و سازمان‌ها و کارفرمایان را به‌مثابه «بازیگران»، توصیف کرده است (North, 1994: 361; North, 1990: 3-5). به اعتقاد نورث، «نهادها» یا «قواعد بازی»، محدودیت‌های طراحی‌شده توسط نوع بشر، برای شکل‌دهی به روابط متقابل انسان‌ها هستند. آنها از قواعد غیررسمی (مانند ارزش‌های رفتاری و عرف) و قواعد رسمی (مثل قوانین) که از خصلت ضمانت اجرایی برخوردارند، تشکیل شده‌اند تا سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های پنهان در

1. Douglass North

مبادلات شوند و از این رو «عامل تعیین کننده عملکرد اقتصادی» هستند (North, 1994: 361). بر این اساس، سه مؤلفه برای نهادها شناسایی شده است: توسط نوع بشر طراحی شده‌اند؛ بر رفتار انسانی محدودیت وضع می‌کنند و اثر اصلی آنها ایجاد انگیزه است.

نهادها به دو دسته «رسمی» و «غیررسمی» تقسیم می‌شوند: «نهادهای رسمی» یا قواعد رفتاری عمومی که توسط مقامات رسمی به وجود می‌آیند و دارای ضمانت اجرای قانونی‌اند، مانند قانون اساسی و قوانین عادی. «نهادهای غیررسمی» شبکه اجتماعی درهم‌تنیده‌ای از باورها، رسوم و عقاید رایج در جوامع هستند که به تدریج و به صورت خودجوش به وجود می‌آیند و اهمیت جایگاه ریشه‌ها را یادآور می‌شوند (گروینوگن و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۷؛ North, 1994: 360-361).

در تحلیل نهادگرایان، علاوه بر «نهادهای»، واژه «سازمان‌ها» را نیز باید اضافه کرد. «سازمان‌ها» که دربرگیرنده بازیگران هستند، مجموعه‌ای متشکل از افرادند که برای رسیدن به اهدافی معین متحد می‌شوند. سازمان‌ها، شامل مجموعه‌های سیاسی (مثل فعالان سیاسی و نمایندگان)، مجموعه‌های اقتصادی (مانند شرکت‌ها و اتحادیه‌های تجاری)، مجموعه‌های اجتماعی (مانند مراکز مذهبی و انجمن‌های ورزشی) و مجموعه‌های آموزشی (مثل مدارس و دانشگاه‌ها) هستند (North, 1994: 361).

۲.۲. عملکرد نهادها

بازیگران، فعالیت‌های اقتصادی خود را در «محیط نهادی» انجام می‌دهند. محیط نهادی، مشتمل بر مجموعه‌ای از قواعد رسمی و غیررسمی (سلسله‌مراتب درهم‌تنیده‌ای از ارزش‌ها و هنجارها تا قوانین) است که بر مبادلات اقتصادی اثر می‌گذارد، به طوری که این محیط به واسطه ریشه داشتن در ارزش‌ها و باورها، نقشه‌های ذهنی بازیگران را شکل می‌دهد. در نقش راهنما ظاهر می‌شود تا بازیگران به وسیله آن دنیای پیرامون خود را درک کنند. مردم در جمع و با تأثیر از رفتار گروهی، در نقشه ذهنی شریک می‌شوند و با توجه به آن در تعامل با یکدیگر نقشه ذهنی مشترکی را شکل می‌دهند (نورث، ۱۳۹۵: ج ۱-۱۰۶-۱۰۰). نقشه‌های ذهنی مشترک، درون سازمان‌ها (مجموعه‌ای از افراد که برای رسیدن به اهدافی معین متحد شده‌اند) تکامل می‌یابند و یادگیری جمعی در راستای اهداف آنها پدید می‌آید.

در اینجا اهمیت کنش متقابل و پیوسته میان نهادها و سازمان‌ها (قواعد بازی و بازیگران) در حوزه اقتصادی جالب توجه است (North, 1994: 361-362). به دلیل کمیابی، رقابت بروز می‌کند و موجب می‌شود سازمان‌های یک نظام اقتصادی برای بقای خود به یادگیری و کسب مهارت‌های علمی و فنی بپردازند. در نتیجه یادگیری، درک بازیگران نسبت به فرصت‌ها و

انتخابها تکامل می‌یابد و متعاقب آن، درک جدیدی حاصل می‌شود که به تغییر تدریجی نهادها خواهد انجامید. یکی از نتایج آن در جامعه، ایجاد تحولات اقتصادی (فرایندی فراگیر، مستمر و تدریجی که از انتخاب‌های روزمره افراد و کارآفرینان سازمان‌ها ناشی می‌شود) است (متوسلی، ۱۳۹۲: ۴۰۱). بر این اساس، رقابت که متعاقب کمیابی به وجود می‌آید، کلید تغییرات نهادی محسوب می‌شود. در این خصوص، جایگاه «یادگیری» بسیار حائز اهمیت است. «میزان یادگیری»، شدت رقابت در میان سازمان‌ها و سرعت تغییر اقتصادی را مشخص می‌کند و «نوع یادگیری» نیز مدل‌های ذهنی بازیگران و در نتیجه «ساختار انگیزشی» شکل گرفته را نشان می‌دهد. بنابراین، اگر فعالیت بازتوزیع، بیشتر از فعالیت مولد مورد تشویق قرار گیرد، بازیگران تلاش می‌کنند آن را یاد بگیرند و انگیزه برای فعالیت‌های مولد کاهش می‌یابد (نورث، ۱۳۹۵الف: ۷۰).

به بیان دیگر، نقشه ذهنی مشترک به مثابه یک راهنما، مسئول هماهنگ کردن دانش شرکت‌کنندگان در بازار به‌شمار می‌آید (نورث، ۱۳۹۵ج: ۱۰۹)، به طوری که به بازیگران در میدان بازی می‌گوید که چه چیزی خوب و چه چیزی بد است. پس محیط نهادی که از نهادها تشکیل می‌شود، محرک و انگیزه ایجاد می‌کند که وارد میدان اقتصادی شویم یا نشویم و حتی اگر تصمیم گرفتیم که وارد دنیای مبادلات اقتصادی شویم، چگونه این کار را انجام دهیم که منافع ما حفظ شود.

بر این اساس، در تعریف نهاد می‌توان گفت، نهادها قواعدی هستند که به منظور افزایش اطمینان در میدان فعالیت‌های اقتصادی، طراحی شده و بر رفتار بازیگران اقتصادی تأثیر می‌گذارند. به تعبیر ساده‌تر، نهادها «قواعدی برای ساده‌تر کردن مبادلات» هستند (گروبنوگن و همکاران، ۱۳۹۱: ۳).

۲.۳. اهمیت نهادها

برای درک بهتر اهمیت نهادها باید با فضای حاکم بر مبادلات اقتصادی آشنا شویم؛ در محیطی ابتدایی و ساده کار دشوار نیست، اما وقتی به دنیای پیچیده تعاملات اقتصادی پا می‌گذاریم، با پیچیدگی محیط و وابستگی بیشتر انسان‌ها به یکدیگر مواجه می‌شویم. کار سخت می‌شود، هراس ناشی از انحصار، بی‌اعتمادی و عدم شناخت، انگیزه ورود به میدان را کاهش می‌دهد. برای پای گذاردن به عرصه رقابت و میدان بازی، به ساختار انگیزشی قوی و حساب‌شده‌ای نیاز است. در اینجا دلیل «اهمیت نهادها» آشکار می‌شود؛ چارچوبی برای ایجاد انگیزه و تأمین اطمینان. به‌ویژه اینکه با پیچیده‌تر شدن فضا، نیاز به طراحی نهادهای پیچیده‌تر ضرورت پیدا می‌کند.

حال چطور می‌توانیم وجود نهادهایی را که در صحنه با آن مواجهیم تشخیص دهیم؟ بار این مهم بر دوش «میزان و نوع یادگیری» ما قرار دارد؛ همان یادگیری که تحت تأثیر رفتار جمعی در محیط نهادی آموختیم و در نهایت نقشه ذهنی مشترک ما شده است. اگر نهادها (قواعد بازی) برای دزدی و فعالیت‌های خلاف، پاداش دهند، سازمان‌ها (بازیگران) در جهت خلافکاری و دزدی سامان می‌یابند. اما اگر نهادها به فعالیت‌های تولیدی پاداش دهند، سازمان‌هایی به وجود می‌آیند که فعالیت‌های مولد و تولیدی را ترویج می‌کنند و زمینه‌ساز رشد نظام اقتصادی می‌شوند (North, 1994: 361). بر همین اساس، نهادگرایان علت توسعه نیافتگی در جهان سوم را «نوع فرصت‌ها» می‌دانند، به طوری که بیشتر فرصت‌هایی که مدیران این کشورها تشویق می‌کنند، مشوق توزیع درآمد (فعالیت‌های توزیعی یا بازتوزیعی) است تا تولید درآمد بیشتر (فعالیت‌های تولیدی) (رضائی باصری و میرفردی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). این مهم در مطالعات تاریخی و تجربی صاحب‌نظران در خصوص وضعیت اقتصادی مستعمرات سابق کشورهای اروپایی و همچنین در اختلاف حاصل از بررسی‌های تطبیقی میان کره جنوبی و کره شمالی یا آلمان غربی و آلمان شرقی، شایان توجه است (Acemoglu, Johnson & Robinson, 2001: 1369-1401). بنابراین، نهادها مهم‌اند، زیرا محیط نهادی بر رفتار بازیگران تأثیر می‌گذارد و این اثرگذاری سبب می‌شود تا بازیگران در میدان عمل به صورتی قدرتمند یا ضعیف تصمیم‌گیری کنند. به عبارت دیگر، نهادها بیانگر دانش و جهل، بیم و امیدهای مردم هستند (Hamilton, 1932: 84). نهادها برای تحلیل رفتار فعالان اقتصادی (بازیگران) اهمیت دارند، چون انگیزه آنان را شکل می‌دهند؛ انگیزه‌ای که جوهر اقتصاد محسوب می‌شود (Lazear, 1989: 152).

نهادها نظام‌های بادوامی از قواعد اجتماعی ریشه‌دارند که تعاملات اجتماعی را ساختارمند می‌کنند، به طوری که با تحمیل شیوه‌ای خاص از ثبات بر فعالیت‌های بشری این توانایی را دارند تا اندیشه، انتظار و عمل انسانی را هماهنگ سازند و نظم دهند (Hodgson, 2003: 163). از مهم‌ترین ثمرات این کارکرد نهادی، اقتصادی کردن است. به دیگر سخن، وجود نهاد سبب می‌شود که کارایی یا رفاه یک یا چند عامل، بدون لطمه زدن به رفاه دیگران، بهبود یابد و این امکان فراهم شود که به سطح بالاتری از اهداف خویش، در محدوده معینی دست یابد. نهادها، با ایجاد حوزه گسترده‌ای از خدمات، استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه را ممکن می‌سازند، از جمله صرفه‌های اقتصادی ناشی از مقیاس، تخصص‌گرایی، صرفه‌های خارجی و فراهم آوردن اطلاعات. بنابراین، اگر کارکرد نهادها برای مثال به تأمین اطلاعات مورد نیاز عاملان اقتصادی منجر شود، از خصیصه اقتصادی کردن برخوردار است. بر این اساس، مهم‌ترین سؤال در مورد هر نوع نهاد از بُعد اقتصادی این است که کارکرد نهاد چیست؟ برای نمونه، آیا نهاد موردنظر به جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی و توزیع آن یاری می‌رساند؟ و یا نهاد

موردنظر در ایجاد تقارن یا عدم تقارن اطلاعاتی دارای چه نقشی است؟ (متوسلی، ۱۳۹۲: ۳۴۵-۳۴۴).

تفکر نئوکلاسیکی، بر مبنای مدل هزینه مبادلاتی صفر جلو می‌رود، یعنی فرض کنیم که مبادله هزینه‌ای ندارد. اما آیا می‌توان در دنیای واقعی به این امر، خوش‌بین بود؟ آنچه به باور نهادگرایان حائز اهمیت است، اینکه مشکلات دنیای واقعی را نمی‌توان صرفاً به اتکای یک فرض واحد از پیش معلوم شده برآمده از عقل محدود بشری (هزینه مبادلاتی صفر و بهره‌مندی بازیگران از اطلاعات کامل) حل کرد، بلکه باید به تمام جوانب امر و واقعیت وجود هزینه‌ها، توجه کرد. بی‌تردید، انسان‌ها با ظرفیت محدود عقلانی خویش نمی‌توانند همیشه نسبت به یکدیگر و همه چیز شناخت کافی داشته باشند یا شناخت کافی به دست آورند. بنابراین، در فضایی با اطلاعات ناقص روبه‌رو هستیم. حال در کنار فضای اطلاعات ناقص و شناخت ناکافی، احتمال بروز رفتار فرصت‌طلبانه و طفره رفتن بازیگران از انجام تعهدات خویش را نیز اضافه کنید. اگرچه رفتار فرصت‌طلبانه همیشه نمایش داده نمی‌شود و بروز آن بسته به شرایط است، اما نگرانی از احتمال بروز تقلب و فرصت‌طلبی وجود دارد (گروینوگن و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۱۱). بر این اساس، بازیگران نگران، در جست‌وجوی راهی هستند تا در این فضای بی‌اعتمادی در مقابل رفتار فرصت‌طلبانه ایمن باشند. هرچه بر میزان و دقت اطلاعات افزوده شود، احتمال خطر کمتر می‌شود. پس بازیگران مجبورند برای کسب اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر، «هزینه» کنند تا تضمین‌هایی به‌منظور اطمینان روند فعالیت اقتصادی فراهم شود. پس مبادلات هزینه‌برند و در نتیجه ذهن بازیگران درگیر «هزینه‌های مبادلاتی» می‌شود. این مشغله ذهنی ممکن است تا جایی پیش رود که به دلیل بی‌اعتمادی و نبود راهکارهای افزایش اطمینان، در نهایت بازیگر را از ورود به بازی منصرف کند. چه باید کرد؟ چگونه می‌توان رفتارها را برای به حداقل رساندن هزینه‌های مبادله مدیریت کرد؟

اگر نهادها در راستای تأمین فضایی ایمن و به‌منظور کاهش هزینه‌ها، طراحی شوند، انگیزه ورود به بازی (عرضه اقتصادی) افزایش می‌یابد و دروازه‌های رشد اقتصادی باز خواهد شد. اما اگر نهادها در طراحی چنین فضایی ناتوان عمل کنند، افزایش هزینه‌ها به بی‌اعتمادی بازیگران دامن می‌زند و در نهایت نظام اقتصادی با رکود مواجه می‌شود. بنابراین، عقلانیت عاملان اقتصادی، تحت تأثیر این محیط نهادی است، تا جایی که در توسعه اقتصادی «سرمایه نهادی» را مهم‌تر از سرمایه مالی، فیزیکی، انسانی و تکنولوژیکی توصیف می‌کنند (Trebilcock & Prado, 2011: 19) و از گرایش نهادگرایی به سوی توسعه سخن می‌گویند (رضانی و میرفردی، ۱۳۹۳: ۱۳۲-۱۳۳).

۲.۴. اهمیت نهادها در توسعه بومی

صاحب‌نظران، در مسیر مطالعات و تجربیات تاریخی در خصوص توجه به نهادها، بر ضرورت باارزش دیگری نیز تأکید کردند و آن «رویکرد بومی» در مسیر اصلاحات نهادی است. به بیان دیگر، توسعه امری است که در درون ملت‌ها ریشه دارد و به شرایط داخلی هر کشور وابسته است، یعنی نهادها باید در داخل شکل بگیرند و به توان داخلی متکی باشند (Rodrik, 2000: 12). چندی است که کارشناسان توسعه دریافته‌اند اقتصاد بیمار هر کشور، به نسخه خاص خود نیاز دارد. پس هر جامعه‌ای باید درصدد طراحی و اجرای الگوی توسعه خود باشد. امر مهمی که با شتاب‌زدگی میسر نمی‌شود، بلکه زمان می‌خواهد تا هر جامعه با تمرکز بر دو محور اساسی «مبانی فکری و ظرفیت‌های بومی»، برای طراحی و اجرای یک الگوی توسعه بومی اقدام کند (متوسلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

تاریخ نشان داده است، جوامعی که قواعد رسمی خود را از سایر جوامع اقتباس کرده و کورکورانه تقلید می‌کنند، نسبت به کشور اصلی، ویژگی‌های عملکردی متفاوتی خواهند داشت، زیرا هنجارهای غیررسمی (ارزش‌ها و باورها و رسوم) و ویژگی‌های اجرایی آنها متفاوت‌اند. بر این اساس، انتقال و پیوند قواعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از مدل‌های اقتصادی غربی به اقتصادهای در حال توسعه برای عملکرد خوب اقتصادی، دارویی شفافبخش نیست (نورث، ۱۳۹۵ الف: ۷۲-۷۱). برای نمونه، پذیرش قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در کنار اعمال تغییراتی از سوی کشورهای مختلف آمریکای لاتین در قرن نوزدهم برای آنان به عملکرد مشابهی که در ایالات متحده آمریکا ایجاد شده بود، منجر نشد (North, 1999: 101). پیامدهای نامطلوب ناشی از اعمال اصلاحات دیکته‌شده بدون توجه به شرایط بومی، در آفریقا و آمریکای لاتین، ناشی از بی‌اعتنایی به محیط نهادی و مقوله توسعه بومی بود (Acemoglu & Robinson, 2010: 14-15).

نهادها دربرگیرنده همه چیزهایی هستند که در کشوری معین و زمانی خاص، از گذشته به ارث می‌رسد و در قالب ساختار نهادی یا ماتریس نهادی عنوان می‌شود (چاونس، ۱۳۹۰: ۱۲۶). نهادها و باورهای گذشته، بر توانمندی ما به‌منظور ایجاد تغییر نسبت به حال و آینده، بسیار مؤثرند (نورث، ۱۳۹۵ ب: ۵۸). به‌عبارت دیگر، ساختار نهادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت زندگی جوامع ایفا می‌کند و از جایگاه حائز اهمیت برخوردار است؛ جایگاهی که در کنار محافظت از اصالت، باید به استقبال نوآوری و تطبیق با تحولات روز رود. حال کشورها به‌منظور دستیابی به رشد پایدار و توسعه اقتصادی ارزش‌مدار، باید دارای ساختار نهادی برآمده از اصل خویش باشد تا از ویژگی «انعطاف‌پذیری» بهره‌مند شود. به بیان دیگر، جوامع برای دستیابی به توسعه، باید از ساختاری برخوردار باشند که توانایی تعدیل و تطبیق در مواجهه با تکان‌ها یا شوک‌های

وارده و مستمر ناشی از تحولات خارج از اختیار را داشته باشد؛ همان مفهومی که به تعبیر نورث برای سیاست‌گذاری‌ها، نقش راهنما را دارد (نورث، ۱۳۹۵ الف: ۷۳؛ نورث، ۱۳۹۵ ب: ۸۵) و در ادبیات نهادی، «کارایی انطباقی»^۱ یعنی توانایی جوامع برای انطباق انعطاف‌پذیر در مقابل شوک‌ها، نامیده می‌شود (نورث، ۱۳۹۵ ب: ۸۵). در همین زمینه، به‌منظور مقابله با وضع تحریم‌های اقتصادی علیه کشور، واژه «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی ایران، افزوده شده است (داوودی و جعفریه ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۳).

۳. نهادهای حقوقی مهم‌اند

مدتی است که دغدغه پژوهش‌های اقتصادی و حقوقی، جست‌وجوی پاسخ به این پرسش است که کدام نهادها در فرایند دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مهم‌اند؟ (Rodrik, 2000: 10; Bardhab, 2005: 499- 532). در پاسخ می‌توان گفت نهادهایی که سبب هماهنگی و آسان شدن مبادلات شوند و ساختار انگیزشی را افزایش دهند. در این زمینه، با تمرکز بر مباحث کاهش ریسک و هزینه مبادلات، از هم‌زمانی اصلاحات حقوقی و اقتصادی سخن گفته می‌شود (Gray, 1991: 763- 777). مطالعات اقتصاد نهادگرای جدید، از توجه به «قواعد رسمی» یعنی نهادها و سیاست‌های حکومتی حکایت دارد، زیرا حکومت‌ها قواعد بازی را تعریف و تضمین می‌کنند و در نتیجه عملکرد اقتصادی را شکل می‌دهند.

توجه به چند کلیدواژه در درک بهتر مطلب یاری می‌رساند: نخست آنکه انسان‌ها از مدت‌ها قبل با خروج از انزوای فردی و غارنشینی، به زندگی اجتماعی روی آوردند (زندگی اجتماعی)؛ دوم آنکه منابع موجود در مواجهه با رشد جمعیت، پاسخگوی نیاز همگان نیست (کمیابی)؛ سوم آنکه انسان‌ها همگی خواهان بهره‌مندی از منابع و تأمین منافع خویش هستند. آنها در مواجهه با کمبود، ناچار به انتخاب بوده و در فرایند انتخاب هریک به منافع خویش توجه می‌کنند. اما در این میان، تضاد منافع، به نزاع و درگیری منتهی می‌شود (انتخاب و تضاد)؛ چهارم آنکه برای رفع نزاع و نابسامانی، قواعدی (نهادها) به‌منظور پی‌ریزی نظام مبادلات اقتصادی و دستیابی به تعادل، طراحی شده است تا انسان‌ها در چارچوب قواعد و نظم به‌وجودآمده، انگیزه پیدا کنند که در فضای بازار رقابتی، دست به انتخاب زنند (نظم و انگیزه). این توصیف به‌نوعی در بیان کامونز، چهره‌ای که طرفدار نظریه‌ای از پیوند قانون، اقتصاد و اخلاق بود (چاونس، ۱۳۹۰: ۶۹) و بر ریشه‌های قانونی و قضایی نظام سرمایه‌داری تأکید داشت نیز آمده است: بر مبنای ساختار «نظم»، تضادها کاهش‌یافته و منافع شناسایی می‌شوند (Commons, 1932: vii- viii; 4).

رابطه حقوق و اقتصاد به گونه‌ای است که نه حقوق می‌تواند در وضع قواعد و استقرار نظم و عدالت به عوامل اقتصادی بی‌اعتنا باشد و نه اقتصاد می‌تواند با توجه به کمیابی منابع، به منظور افزایش تولید و شیوه عادلانه توزیع ثروت، قواعد حقوقی را نادیده انگارد، از این رو رابطه‌ای متقابل و وابستگی نسبی، بین دو حوزه شکل گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳۲۷-۳۲۶؛ بادینی، ۱۳۸۵: ۳۸). تلاش به منظور برقراری «تعادل نسبی» در تولید، توزیع، مبادلات و مصرف به عنوان نقطه اشتراک در خور توجه حقوق و اقتصاد، مطرح شده است (قاسمی حامد، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۳).

اقتصاددانان دریافته‌اند، برای طراحی سیاست اقتصادی سودمند باید به قواعد حاکم بر نظام حقوقی یعنی «نهادهای حقوقی» توجه کرد، زیرا وجود نظام حقوقی کارآمد، در فرایند دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی تأثیرگذار است (قاسمی حامد، ۱۳۹۴: ۳۹-۳۷؛ دادگر، ۱۳۸۹: ۱۳). بدین ترتیب در نگاه صاحب نظران، کیفیت نهادهای حقوقی یعنی کیفیت «قواعد رسمی» حاکم بر جامعه که از سوی حاکمیت وضع می‌شود، بیانگر حقوق و تکالیف اشخاص در جامعه است و از ضمانت اجرا برخوردار است، از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود.

در مطالعات انجام گرفته در خصوص نقش نهادهای حقوقی در فرایند توسعه اقتصادی، به نقش نهادهای حقوقی به طور کلی، پرداخته شده است. در این زمینه، «حاکمیت قانون» که در مرسوم‌ترین سیمای خود، نظم حقوقی مشتمل بر قواعد قابل پیش‌بینی، قابل اجرا و کارا به منظور دستیابی به رونق و شکوفایی بازار، به شمار می‌آید، بسیار حائز اهمیت است (Santos, 2006: 253). در این میان، بر نقش نهادهای حقوق خصوصی یعنی حقوق مالکیت و حقوق قراردادها، به عنوان نهادهای تشکیل‌دهنده هسته حقوقی بازار، بیش از همه تأکید شده است. بر این اساس، مقاله حاضر، با توجه به مجال اندک بحث در این زمینه، نگاهی اجمالی بر نقش نهاد حقوقی مالکیت و نهاد حقوقی قرارداد در روند توسعه اقتصادی دارد.

۴. حقوق مالکیت و حقوق قراردادها؛ نهادهای تشکیل‌دهنده هسته حقوقی بازار

جامعه برخوردار از «نظم باز»^۱، یعنی جامعه‌ای برخوردار از حاکمیت قانون که امکان «مشارکت همگان» را در «بازار آزاد رقابتی» فراهم کرده است (North et al., 2009: 55-68). برای دستیابی به شکوفایی بازار و رونق اقتصادی، به نقش و کیفیت دو نهاد حقوقی مالکیت و قرارداد، یعنی ارکان مهم «مبادله» که ریشه در حوزه مطالعاتی حقوق خصوصی دارند، عنایت ویژه دارد. آنچه موضوع مبادله است، تحت عنوان مال، در نظام حقوقی مالکیت شناسایی، تعریف و تضمین می‌شود و پس از آن در چارچوب نظام حقوقی قراردادها جای می‌گیرد و جریان می‌یابد. با تشکیل این هسته مرکزی، بازار برای انجام مبادلات اقتصادی بین بازیگران (عاملان) اقتصادی

تشکیل می‌شود. آنچه جالب توجه است، تأثیر کیفیت دو نهاد مذکور بر کیفیت ساختار بازار است، به گونه‌ای که این اثرگذاری نشان از چگونگی فرایند رشد و توسعه اقتصادی دارد. می‌دانیم که سرمایه‌گذاری بیشتر، تولید را افزایش می‌دهد و رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. اما زمانی افراد خواستار سرمایه‌گذاری هستند که از بازگشت سرمایه خویش، اطمینان حاصل کنند. مسئله حائز اهمیت در این میان این است که توانایی برای سیطره بر برگشت سرمایه، به صورت خودکار امکان‌پذیر نیست، بلکه ساختاری انگیزشی، زمینه‌ساز چنین سیطره‌ای است (North, 1981: 5). برای رسیدن به چنین مطلوبیتی، وجود حقوق مالکیتی که به طور کامل مشخص شده و بی‌هزینه اجرا شود، نیاز است. بنابراین، فقدان حقوق مالکیت موصوف، موجب تقلیل انگیزه می‌شود و انگیزه پایین برای رشد اقتصادی کارساز نیست. در همین زمینه، مطالعات صورت گرفته گویای ظرفیت توانمند نهادهای حقوقی در جلوگیری و رفع دردسرهاست، به گونه‌ای که به افزایش ساختار انگیزشی منتهی خواهد شد (Cross, 2006: 7-8).

وبر از چهره‌های برجسته حوزه حقوق و توسعه اقتصادی، با تمرکز بر این سؤال که چرا سرمایه‌داری صنعتی در غرب رشد یافت (Trubek, 1972: 721-725)، بر ضرورت تأمین ثبات و پیش‌بینی‌پذیری تغییرات اقتصادی تأکید کرد. در نگاه او، وجود نظام حقوقی عقلانی و رسمی، بسیار حائز اهمیت است (Trubek, 2001: 8443). در تحلیل وی از حقوق مدرن، رابطه بین حقوق پیش‌بینی‌پذیر و بازار بررسی شده است. او اظهار داشت که نظام حقوقی مبتنی بر اصول «آزادی قراردادها»، «مالکیت خصوصی» و «بازارهای رقابتی»، هماهنگی و پیش‌بینی‌پذیری را فراهم می‌سازد و از بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه ناشی از ترتیبات سرمایه‌داری ممانعت می‌کند (Cao, 1997: 548-549). بدین‌سان، او کلید توسعه اقتصادی را یک «نظام حقوقی مدرن و عقلانی» می‌داند.

به اعتقاد پوزنر^۱ نیز موفقیت اقتصادی ملتها مستلزم برخورداری از حداقل زیربنای حقوقی معتدل، با محوریت حمایت از حقوق مالکیت و قراردادهاست. بازارها نهادهای مستحکمی‌اند که نیرو و قدرتشان به ایجاد فضایی که در آن حقوق قانونی، به‌ویژه حقوق مالکیت و حقوق قراردادی اجرا و حمایت می‌شود، وابسته‌اند (Posner, 1998: 1).

به استناد تحقیقات هاگارد و همکاران، هسته نظری پیوند حقوق با توسعه اقتصادی، از دو مسیر مجزا اما مرتبط یعنی مسیر تأثیرات حقوق مالکیت بر سرمایه‌گذاری و مسیر تأثیرات اجرای قرارداد بر تجارت، عبور می‌کند. این منطق از آنجا ناشی می‌شود که تضمین حقوق مالکیت و نحوه ساماندهی نظام قراردادها، بستر ترکیب «سرمایه‌گذاری و تجارت» را فراهم

می‌آورد، به‌گونه‌ای که متعاقب آن «افزایش رشد و توسعه اقتصادی» میسر می‌شود. در این میان، انگیزه‌ها نقش اصلی را بازی می‌کنند. در فضایی پرریسک که اقدام به سرمایه‌گذاری با خطر سلب مالکیت و انعقاد قراردادها با احتمال نقض، مواجه می‌شود، بازیگران برای حضور در بازار انگیزه کافی نخواهند داشت. از این رو هرچه حقوق مالکیت و حقوق قراردادها، توسعه‌یافته‌تر و ایمن‌تر باشد، انگیزه افراد برای سرمایه‌گذاری و انجام عملیات اقتصادی، بیشتر است (Haggard *et al.*, 2008: 205-207).

در این زمینه، تجارب کشورهای اروپای شرقی، جالب توجه است. برای مثال، مطالعه جانسون و همکاران، مدعی کشف رابطه سببی بین متغیرهای حقوقی مانند حمایت از حقوق مالکیت خصوصی و قابلیت اجرای قراردادها با اندازه‌های مختلفی از درجه توسعه شده‌اند. آنها با طرح این سؤال که بین دو عامل «حقوق مالکیت نامطمئن و دسترسی محدود به منابع مالی»، کدامیک در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تأثیر بیشتری دارد، به توصیف اثرگذاری امنیت حقوق مالکیت در تصمیم کارآفرینان برای سرمایه‌گذاری پرداختند. نمونه بررسی شده درباره گروهی از شرکت‌های صنعتی روسیه و اوکراین و گروهی از شرکت‌های صنعتی لهستان و رومانی در سال ۱۹۹۷ بود. حاصل تحقیق اینکه در لهستان و رومانی که از امنیت حقوق مالکیت بالاتری نسبت به کشورهای دیگر مورد بررسی برخوردارند، نرخ سرمایه‌گذاری مجدد بیشتر بود. کارآفرینان برخوردار از حداقل امنیت حقوق مالکیت، حدود ۴۰ درصد کمتر از کارآفرینانی برخوردار از حداکثر امنیت حقوق مالکیت، سود خود را به سرمایه‌گذاری مجدد اختصاص داده‌اند. در نتیجه، در فضایی که کارآفرینان از حقوق مالکیت ایمن و تضمین شده‌ای برخوردار نیستند، سود حاصل از فعالیت خود را کمتر به سرمایه‌گذاری اختصاص می‌دهند. از این رو در این پژوهش، حقوق مالکیت ایمن از شروط تشویق به سرمایه‌گذاری عنوان شد (جانسون و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۴۵-۱۸۷).

ساختارهای تضمینی تعهدات را در نظر بگیرید: اینکه چه مالی می‌تواند مورد وثیقه قرار گیرد و کدام چارچوب قراردادی برای توثیق به‌کار رود، یعنی حوزه‌ای مرتبط با نهاد مالکیت و نهاد قراردادها. مسئله حائز اهمیت، ضرورت دسترسی به منابع مالی برای رشد بخش خصوصی است. اما پرواضح است، دسترسی به اعتبارات و دریافت منابع مالی جز از طریق ابزارهای توثیقی مناسب امکان‌پذیر نیست. برای مثال در این زمینه، اسلواکی و رومانی، با طراحی و اجرای سیاست‌های اصلاحی در خصوص بهبود نظام توثیق اموال، از جمله توسعه دایره اموال پذیرفته‌شده جهت وثیقه، کاهش تشریفات و کارآمدی نظام ثبت، توانستند در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و فضای کسب‌وکار کشورهای خود، گام‌های مثبتی بردارند؛

آنچه بر کارامدی و روزآمدی نهادهای مالکیت و قرارداد تأکید می‌کند (World Bank Group, 2010: 9-11).

نتایج پژوهش محمدی و ندیری، در خصوص تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی که از «طبقه‌بندی نهادها برگرفته از مطالعات رودریک (Rodrik, 2005: 967-1014) استفاده شده است، نشان داد رابطه نهادهای خالق بازار، یعنی نهادهایی که از حقوق مالکیت محافظت کرده و اجرای قراردادها را تضمین می‌کنند، بیشترین تأثیر را بر رشد تولید ناخالص سرانه دارد. مروری بر روند رشد اقتصادی ایران، که متکی بر درآمدهای نفتی و متأثر از نوسانات قیمت نفت است، حاکی از آن است که رشد اقتصادی ایران در بلندمدت ناپایدار و در میانمدت دارای نوسانات ادواری است، زیرا اقتصاد ایران از وجود سازوکارهای درونزا و پویا برخوردار نیست و رشد اقتصادی از طریق منابع برونزا حاصل می‌شود که در نهایت به‌ندرت بهره‌وری را جهت تحصیل رشد اقتصادی پایدار افزایش می‌دهد. بنابراین، آنچه در اولویت‌گذاری‌ها برای رفع موانع ضرورت دارد، توجه به «نهادهای خالق بازار» (مالکیت و قرارداد) و «نهادهای تثبیت‌کننده بازار»، یعنی نهادهایی که موجب انعطاف‌پذیری در مقابل شوک‌ها می‌شوند و از بحران‌های مالی جلوگیری می‌کنند، است (محمدی و ندیری، ۱۳۹۲: ۱۸۳، ۲۰۲-۲۰۱).

نورث در مطالعات تاریخی خود در خصوص رشد اقتصادی، اهمیت نهادها را نشان داد و دریافت که در طول تاریخ بشری، رشد نسبت به رکود امری استثنایی بوده است (North, 1981: 6). این مسئله نشان می‌دهد اوضاع و احوالی که در آن رشد به‌دست آمده، امری طبیعی یا اجتناب‌ناپذیر نیست، بلکه رشد به‌دست آمده، حاصل تفکر و تلاش است. اختلاف موجود در سطح رفاه جوامع، از کیفیت‌های مختلف نهادهای ملی در سرتاسر جهان ناشی می‌شود (North, 1990: 13). مطالعات تاریخی حاکی از آن است، آنچه کلید دستیابی به رشد اقتصادی دوران انقلاب صنعتی تلقی می‌شود، پیشرفت‌های از پیش صورت‌گرفته در مجموعه حقوق مالکیت بود، به‌صورتی که نرخ اختراعات و نوآوری‌ها را افزایش داد. در طول قرن هفدهم، انگلستان و هلند بر فرانسه و اسپانیا، به‌دلیل شناسایی مؤثر حقوق مالکیت پیروز شدند (North, 1981: 148-157; Acemoglu et al., 2005: 457-458). اهمیت این مسئله به‌حدی است که ایجاد حقوق مالکیت ایمن و باثبات، کلید توسعه اقتصادی توصیف شده است (O'Driscoll Jr & Hoskins, 2003: 1-17).

در همین خصوص، هرناندو دوسوتو^۱ صاحب «راز سرمایه»، بیان داشته، با اینکه ارزش دارایی متصرفان املاک فاقد سند در کشورهای فقیر، دست‌کم ۹/۳ تریلیون دلار است، اما به‌سبب فقدان حق مالکیت تحت نظام مالکیت رسمی، آنها نمی‌توانند از این منابع در

سرمایه‌گذاری‌ها استفاده کنند. هر نوع دارایی که جوانب اقتصادی و اجتماعی آن در نظام مالکیت رسمی تعیین نشده باشد، خیلی مشکل می‌تواند وارد بازار شود. در نظر او، مالکیت رسمی یک فرایند، صورت‌ها و قواعدی را پیش‌بینی می‌کند تا دارایی‌ها در شرایطی مستقر شوند که آنها را به‌عنوان سرمایه فعال شناسایی کنیم. این در حالی است که ثروت ملت‌های غربی، به وجود چنین حقوقی (حق مالکیت رسمی) نسبت داده می‌شود. نظام حقوق مالکیت، پلکانی است که این ملت‌ها را از دنیای دارایی‌ها به دنیای سرمایه جای می‌دهد؛ جایی که دارایی‌ها می‌توانند در پتانسیل کامل مولد خود در نظر گرفته شوند؛ جایی که مفهوم اقتصادی دارایی‌ها قابل کشف است و جایی که سرمایه متولد می‌شود. به بیان ساده، سرمایه مانند نیروی برق است، چراکه تولید نخواهد شد، مگر تسهیلات اساسی واحدی که آن را تولید می‌کند، وجود داشته باشد. بر این اساس، دارایی‌ها نیز به نظام مالکیت رسمی نیاز دارند تا ارزش مازاد چشمگیری تولید کنند. دلیل اینکه نظام سرمایه‌داری در غرب موفق شده و در بقیه جهان شکست خورده، این است که بیشتر دارایی‌ها در کشورهای غربی در قالب یک نظام رسمی ادغام شده‌اند. البته این امر به‌صورت تصادفی اتفاق نیفتاده است، بلکه حداکثر در طول دو‌یست سال گذشته به‌وجود آمده و دهه‌های طولانی سیاست‌مداران، قانون‌گذاران و قضات، اطلاعات و قوانین پراکنده بر مالکیت را جمع‌آوری، نظارت و در نهایت در قالب نظام واحدی ادغام کرده‌اند. بر همین اساس، با توجه به اهمیت شناسایی و یکپارچه‌سازی نظام حقوقی مالکیت و نیز پرداختن به این موضوع در حوزه حقوق، می‌توان گفت که بالا بردن رشد اقتصادی و توسعه منافع آن، در کنار ترتیبات دیگر، خود چالشی حقوقی است (دوسوتو، ۱۳۸۶: ۹۷-۶۱).

تاریخ معاصر نشان می‌دهد، اقتصادهای قوی از نظام‌های اقتصادی بازارمحور برخوردارند. چنین نظام‌هایی در میان ملت‌هایی یافت می‌شوند که حقوق مالکیت گسترده حمایت‌شده توسط قوانین را شناسایی و تضمین می‌کنند، از ساختار منصفانه اجرای قراردادها بهره‌مندند (Cadwell, 2000: viii). به‌علاوه، مشکلات اقتصادی ناشی از خصوصی‌سازی در فضای دولت‌های پساکمونیستی اروپای شرقی نیز به نظام‌های حقوقی ضعیف آنها نسبت داده شده است، چراکه در نبود نظام حقوقی قوی، در عمل شاهد نتایج منفی به‌بارآمده بوده‌اند (Cross, 2006: 11). بر این اساس، برای ایجاد انگیزه و تسهیل مبادلات اقتصادی، بر ضرورت وجود نهادهای حقوقی از جمله حقوق مالکیت و حقوق قراردادها تأکید شده است. البته در کشور ما اصول اساسی و مهمی همچون احترام به مالکیت و لزوم و پابندی به قراردادها مورد پذیرش قرار گرفته است، اما به‌نظر می‌رسد که عمده مشکل در اجرای ضعیف اصول مذکور است. البته باید خاطر نشان ساخت که منظور از ضرورت وجود نهادهای حقوقی، صرفاً وجود یک سری قوانین و مقررات نیست، بلکه منظور ضرورت وجود نهادهای حقوقی «خوب» برای رشد و

توسعه اقتصادی است. نهادهای خوب، نهادهایی هستند که ضمن حفظ ریشه‌ها و اصالت جامعه، توان انعطاف، تطبیق و پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه را داشته باشند. آنچه در اثرگذاری حقوق، به‌ویژه نهادهای حقوقی مالکیت و قراردادها، در مسیر توسعه اقتصادی با رویکرد درون‌زایی و برون‌نگری، انتظار می‌رود این است که «از ریشه‌های تاریخی خود جدا نشود، اما قدرت جذب اندیشه‌های نو را نیز داشته باشد و انعطاف ضروری در سازگار شدن با محیط و شرایط زندگی را پیدا کند. با آرمان‌ها ملایم و با نیازها موافق باشد» (کاتوزیان، ۱۳۹۱: شش). این مهم، «نیاز به تأمل و تحقیق و مشاوره و صرف وقت فراوان دارد» (کاتوزیان، ۱۳۹۱: پنج).

۵. نتیجه‌گیری

مطالعات نهادگرایان در خصوص دغدغه مهم پیشرفت جوامع و رفع فقر، بر ضرورت توجه به نهادها (قواعد رسمی و غیررسمی) دلالت کرد و نشان داد که پشتوانه کاستن یا افزودن نگرانی‌های بازیگران به‌منظور انجام مبادلات اقتصادی به نهادها (قواعد بازی) برمی‌گردد. اگر کیفیت نهادها خوب باشد، انگیزه‌ها افزایش یابد، انجام مبادلات بیشتر شده و رونق بازار، به رشد و توسعه اقتصادی منتهی می‌شود. اما اگر کیفیت نهادها بد باشد، انگیزه‌ها کاهش می‌یابد، انجام مبادلات کمتر شده و کساد بازار، به رکود اقتصادی و فقر منتهی می‌شود. بنابراین، نهادهای خوب به‌عنوان قواعد باکیفیت حاکم بر بازی، با فراهم کردن فضای ایمن، موجب افزایش ساختار انگیزشی بازیگران اقتصادی می‌شوند و انجام مبادلات اقتصادی را آسان می‌کنند. در نتیجه، نقش مهمی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی دارند.

همچنین دریافتیم که نهادهای هر کشور، به‌دلیل ریشه داشتن در ارزش‌ها و باورها، میراث آن کشورند و به‌منزله ساختار نهادی آن جامعه تلقی می‌شوند. بنابراین، اگر کشورها خواهان دستیابی به رشد و توسعه پایدار و ارزش‌مدارند، باید از رویکرد توسعه بومی مبتنی بر ریشه‌ها و ساختار نهادی «انعطاف‌پذیر» برخوردار باشند تا در مواجهه با تکان‌های وارده ناشی از تحولات خارج از اختیار، از توانایی تعدیل و تطبیق برخوردار باشند. به‌عبارت دیگر، جامعه با بهره‌مندی از کارایی انطباقی می‌تواند به ساختار مقاوم اقتصادی در طی فرایند توسعه دست یابد و در روند پیش روی خویش دچار توقف و رکود نشود. به‌علاوه اینکه، این مهم در مورد روند رشد اقتصادی ایران نیز که متکی بر درآمدهای نفتی و متأثر از نوسانات قیمت نفت است، جالب توجه است، چراکه به‌دلیل نبود سازوکارهای درون‌زا و پویا در فضای اقتصاد ایران، رشد اقتصادی از طریق منابع برون‌زا حاصل می‌شود که در نهایت به‌ندرت بهره‌وری را

به منظور تحصیل رشد اقتصادی پایدار افزایش می‌دهد. در نتیجه، ضرورت دارد که در اولویت‌گذاری‌ها برای رفع مشکلات اقتصادی، بر نقش و کیفیت نهادهای داخلی تأکید شود. در این میان، نهادهای حقوقی که در دسته قواعد رسمی جای دارند، به‌ویژه نهادهای تشکیل‌دهنده هسته حقوقی بازار یعنی مالکیت و قرارداد، از جمله مهم‌ترین نهادهای مؤثر در این فرایند معرفی شده‌اند، زیرا نظم مورد نیاز برای ساماندهی میدان اقتصادی، به منظور تسهیل در انجام مبادلات اقتصادی را تأمین می‌کنند. بدین ترتیب، به اعتبار نظم و هماهنگی به‌وجودآمده که از نهادهای مناسب حقوقی ناشی می‌شود، انگیزه سرمایه‌گذاری و تجارت در فضایی ایمن افزایش می‌یابد و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی، یعنی کیک بزرگ تولیدی و باکیفیت به‌دست می‌آید.

منابع

الف) فارسی

۱. بادینی، حسن (۱۳۸۵). «آیا حقوق دانش مستقلی است؟»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۷۴، ص ۴۵-۱.
۲. تودارو، مایکل پی؛ اسمیت استیفن سی. (۱۳۹۳). *توسعه اقتصادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: نگاه دانش.
۳. جانسون، سیمون؛ مک میلان، جان؛ وودروف، کریستوفر (۱۳۸۴). «حق مالکیت و تأمین مالی»، در *چند مقاله در زمینه موانع نهادی توسعه اقتصادی*، ترجمه زهرا کریمی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴. چاونس، برنارد (۱۳۹۰). *اقتصاد نهادی*، ترجمه محمود متوسلی، علی نیکونسبتی و زهرا فرضی‌زاده میاندهی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. حسینی سید محمدرضا؛ محمدی نجف‌آبادی، عبدالمجید (۱۳۹۲). «تأثیر حقوق مالکیت در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه (زمینه‌ها و موانع)»، *برنامه‌ریزی و بودجه*، سال هجدهم، ش ۱۲۱، ص ۱۸۴-۱۶۳.
۶. دادگر، یداله (۱۳۸۹). *مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد*، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم.
۷. داوودی، پرویز؛ جعفریه، فاطمه سادات (۱۳۹۳). «نگرشی نهادی بر ساختار سازی قدرت در عرصه داخلی برای نیل به اقتصاد مقاومتی»، *برنامه‌ریزی و بودجه*، سال نوزدهم، ش ۱۲۶، ص ۱۷۲-۱۵۱.
۸. دوسوتو، هرناندو (۱۳۸۶). *راز سرمایه: چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟*، ترجمه فریدون تفضلی، تهران: نشر نی.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۵، چ دوم از دوره جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. رضایی باصری، عباس؛ میرفردی، اصغر (۱۳۹۳). «تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه»، *مجله اقتصادی*، سال ۱۴، ش ۴-۳، ص ۱۳۸-۱۲۱.
۱۱. سن، آمارتیا کومار (۱۳۹۴). *توسعه به‌مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. قاسمی حامد، عباس (۱۳۹۴). «حقوق اقتصادی»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۷۰.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *فلسفه حقوق: منطق حقوق*، ج ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۴. ----- (۱۳۹۱). *قواعد عمومی قراردادها: مفهوم، انعقاد و اعتبار قرارداد*، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. گروینوگن، جان؛ اسپیتھون، آنتون؛ ون دن برگ، آنت، (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر اقتصاد نهادگرایی*، ترجمه اصلاان قودجانی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۶. متوسلی، محمود (۱۳۹۲). *توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۷. متوسلی، محمود؛ سیف، الله‌مراد؛ مهاجرانی، میرسعید (۱۳۹۲). «توسعه بومی، تغییری ضروری و بنیادین»، *برنامه‌ریزی و بودجه*، سال هجدهم، ش ۱۲۲، ص ۱۶۰-۱۳۳.
۱۸. محمدی، تیمور؛ ندیری، محمد، (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر نهادهای خالق بازار و سایر نهادها بر رشد اقتصادی (رویکرد بین‌کشوری)»، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال سیزدهم، ش ۴، ص ۱۷۷-۲۰۷.
۱۹. مشیری، مهشید (۱۳۷۱). *فرهنگ زبان فارسی*، تهران: سروش.
۲۰. نورث، داگلاس سی. (۱۳۹۵ الف). «اقتصاد نهادی جدید و توسعه جهان سوم»، در *نهادها و توسعه جمعی از نویسندگان*، ترجمه محمود متوسلی، مصطفی سمیعی نسب و علی نیکونستی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق
۲۱. ----- (۱۳۹۵ ب). «درک فرایند تحول اقتصادی»، در *نهادها و توسعه جمعی از نویسندگان*، ترجمه محمود متوسلی، مصطفی سمیعی نسب و علی نیکونستی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. ----- (۱۳۹۵ ج). «یادگیری، نهادها و عملکرد اقتصادی»، در *نهادها و توسعه جمعی از نویسندگان*، ترجمه محمود متوسلی، مصطفی سمیعی نسب و علی نیکونستی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

ب) خارجی

23. Acemoglu, Daron and Robinson, James (2010). "The Role of Institutions in Growth and Development", *Review of Economics and Institutions*, Vol. 1, No.2, pp.1- 33.
24. Acemoglu, Daron; Johnson, Simon & Robinson, James A. (2005). "Institutions as A Fundamental Cause of Long-Run Growth", In *Handbook of Economic Growth*, Vol. 1 (Part A), Edited by Philippe Aghion & Steven N. Durlauf, Netherlands: Elsevier.
25. Acemoglu, Daron; Johnson, Simon & Robinson, James A. (2001). "The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation", *The American Economic Review*, Vol. 91, No. 5, pp.1369- 1401.
26. Bardhab, Pranan (2005). "Institutions Are Matter, But Which Ones?" *Economics of Transitions*, Vol. 13, No.3, pp.499- 532.
27. Cadwell, Charles (2000). "Foeword", In *Power and Prosperity: Outgrowing Communist and Capitalist Dictatorships*, By Mancur Olson, New York: Basic Books, vii- xxiii.
28. Cao, Lan (1997). "Law and Economic Development: A New Beginning", *Texas International Law Journal*, Vol. 32, pp.545- 559.
29. Commons, John R. (1932). "The Problem of Correlating Law, Economics, and Ethics", *Wisconsin Law Review*, Vol. 8, No.1, pp.3- 26.
30. Cross, Frank B. (2006). "Law and Economic Growth", In *Law and Economic Development (Economic Approaches to Law)*, Edited by Hans-Bernd Schäfer, and Angara V. Raja, Edward Elgar.
31. Gray, Cheryl W. (1991). "Legal Process and Economic Development: A Case Study Of Indonesia", *World Development*, Vol. 19, No.7, pp.763- 778.
32. Haggard, Stephan; MacIntyre, Andrew and Tiede, Lydia (2008). "The Rule of Law and Economic Development", *The Annual Review of Political Science*, Vol. 11, pp.205- 234.
33. Hamilton, W. (1932). "Institution", in *Encyclopedia of the Social Sciences*, Edited by E. Seligman and A. Johnson (eds.), Vol. 8, New York: Macmillian
34. Hodgson, Geoffrey M. (2003). "The Hidden Persuaders: Institutions and Individuals In Economic Theory", *Cambridge Journal of Economics*, Vol. 27, No.2, pp.159- 175.
35. Kingston, Christopher and Miguez, Gonzalo Caballero (2009): "Comparing Theories of Institutional Change", *Journal of Institutional Economics*, Vol. 5, No.2, pp.151- 180.
36. Lazear E.P. (1989). "Incentive Contracts", In *Allocation, Information and Markets (The New Palgrave)*, By J. Eatwell, M. Milgate & P. Newman (eds.), Palgrave Macmillan
37. North, D. C. (1981). *Structure and Change in Economic History*, New York: W. W. Norton & Co.
38. North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge: Cambridge University Press.
39. North, D. C. (1994). "Economic Performance Through Time", *The American Economic Review*, Vol. 84, No.3, pp.359- 368.
40. North, Douglass C.; Wallis John Joseph and Weingast, Barry R. (2009). "Violence and the Rise of Open-Access Orders", *Journal of Democracy*, Vol. 20, pp.55- 68.

41. O'Driscoll Jr., Gerald P. & Hoskins, Lee (2003) "Property Rights: The Key to Economic Development", *Policy Analysis* (No. 482), Washington D. C.: Cato Institute, 1- 17
42. Posner, Richard A. (1998). "Creating a Legal Framework for Economic Development", *The World Bank Research Observer*, Vol. 13, Vol.1, pp.1- 11.
43. Rodrik, Dani (2000.) "Institutions for High-Quality Growth: What They Are and How to Acquire Them", *Studies in Comparative International Development*, Vol. 35, No.3, pp.3-31.
44. Rodrik, Dani (2005). "Growth Strategies" In *Handbook of Economic Growth* (Book 22), Edited by Philippe Aghion and Steven Durlauf, North Holland.
45. Santos, Alvaro (2006). "The World Bank's Uses of the Rule of Law Promise in Economic Development", In *The New Law and Economic Development: A Critical Appraisal*, Edited by David M. Trubek and Alvaro Santos, Cambridge University Press.
46. Trebilcock, Michael J. and Prado, Mariana Mota (2011). *What Makes Poor Countries Poor?* (Institutional Determinants of Development)", Edward Elgar
47. Trubek, David M. (1972). "Max Weber on Law and the Rise of Capitalism", *Wisconsin Law Review*, Vol. 3, pp.721- 753.
48. Trubek, David M. (2001). "Law and Development", In *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Science*, Edited by N. J. Smelser and Paul B. Baltes, Oxford: Pergamon.
49. World Bank Group (2010). "*Secured Transactions Systems and Collateral Registries*", Washington, DC: World Bank (<https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/25982>) License: CC BY 3.0 IGO)